تبیین واژگان آیات قرآن توسّط عترت در روایات تفسیری اهل سنّت

حسین خاکپور*

چکیده: عترت ـ به عنوان یکی از ثقلین ـ نقش بسزایی در توضیح و تبیین قرآن داشته است و شمار قابل توجّهی از روایات تفسیری معصومین علیهم‌السلام به تبیین واژگان قرآن اختصاص دارد. مفسّران مشهور اهل سنّت نقل برخی از این احادیث را وجهۀ همّت خود قرار داده‌اند. با بررسی روایات اهل بیت علیهم‌السلام معلوم می‌شود که توضیحات معناشناسانۀ واژگان قرآن توسّط آنها از یک نوع نبوده، بلکه از ویژگیها و تنوّع خاصّی برخوردار است. این مقاله به روش توصیفی ـ کتابخانه‌ای، با بررسی معناشناختی واژگان قرآن در روایات تفسیری اهل سنّت، نتیجه می‌گیرد که: پاره‌ای از توضیحات عترت از سنخ تبیین ظاهری و دسته‌ای از مقولۀ بیان مصداقی، در مواردی بیان تأویلی، توصیفی، توضیحی و... می‌باشد که مقالۀ حاضر در صدد شناسی برخی از آنهاست.

کلید واژه‌ها: گونه‌شناسی / عترت / اهل سنّت / معناشناسی.

---

*. استادیار دانشکدۀ الهیّات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
Email: dr.Khakpur@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

درآمد

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله وظیفهٔ تبیین آیات الهی را به عهده دارند. در میان این بزرگواران، برخی فضایی نسبی برای ترویج احکام و آیات الهی به دست آوردند و از این رهگذر، مردم از چشمهٔ زلال عترت بهره بردند، به طوری که روایات معناشناسی واژگان قرآن توسّط آنها، در منابع اهل سنّت نیز انعکاس یافته است.

بی‌تردید یکی از شیوه‌های مهم فهم قرآن، شناخت معانی و تطوّرات آن است؛ زیراگاه یک واژه درگذر زمان، معنی اوّلیهٔ خود را به طور طبیعی از دست می‌دهد و زمانی، الفاظ حوزهٔ معنایی جدید می‌یابند. واژگانی همچون صلاة و زکات، از این گونه‌اند.

در معناشناسی واژگان دینی عترت، در حوزه حدیث شیعه مطالب اندکی نگاشته شده (نک: معارف، شناخت حدیث، ص ۱۴۹؛ همو، گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان ، ص ۱۸۵) امّااین بررسی در روایات تفسیری اهل سنّت تاکنون انجام نشده است. با تأمّل در این مصادر می‌توان گفت: بخش قابل توجّهی از روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام به معناشناسی واژگان اختصاص دارد. در آن روایات معصوم، به شیوه‌ها وگونه‌های متفاوت ـ بسته به شرایط حاکم بر سطح فهم مخاطب ـ به تبیین واژگان قرآن می‌پردازد.اینک نگارنده بر آن است تاگوشه‌ای از این معناشناسی را به تصویر بکشد.

۱. بیان ظاهری (تفسیری)

برخی از مفسّران و اهل نظر را رأی بر این است که «تفسیر»، بیان ظاهر است؛ اعم از اینکه توضیح و شرح الفاظ ناآشنا باشد(راغب اصفهانی، ص ۴۸؛ زرکشی، ج ۱، ص ۱۴-۱۵) یا بیان مفاد استعمال کلام بر مبنای ادبیات زبان و اصول عقلایی محاوره.(بابایی، ص ۲۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

روایات معناشناسی واژگان قرآن در این حوزه که توسّط عترت علیهم‌السلام بیان شده، گاه اجزای عقلی یک تصویر است و به دیگر سخن «مفهوم» را بیان می‌کند و زمانی یکی از افراد آن مفهوم را به تصویر می‌کشد، یعنی «مصداق».

به عنوان نمونه در آیهٔ ﴿**فمن یکفر بالطاغوت**﴾ (بقره (۲) / ۲۵۶)، مفهوم ظاهری «طاغوت» سرکشی و فراز خواهی و مصداق ظاهری آن سرکشان تاریخ است. بر این اساس، بیان ظاهری معصومین خود گونه‌های مختلفی دارد که برخی را بیان می‌کنیم.

۱ـ۱) توضیح واژگان بر اساس زبان و ادبیات عرب

در این نوع، معصوم معنای ظاهری واژه‌ای را با استفاده از استعمال عرب بیان می‌کند؛ به عنوان نمونه:

از امام علی علیه‌السلام در معنی «رعد» سؤال شد، امام علی علیه‌السلام فرمودند: این نزد عرب معلوم بوده و آن را می‌شناخته است. سپس به شعر لبید استناد می‌کند که گفت:

ففجّعني الرعد و الصواعق بالـ الفارس یـوم الکـریهة النـجد

(قـــــرطبی، ج ۲، ص ۱۹۲)

رعد و صاعقه در آن روز ترسناک بارانی ـ در حالی که سوار بر اسب بودم ـ مرا ترساند.

از امام سجاد علیه‌السلام دربارهٔ واژه «*جبرئیل*» در ﴿**قل من کان عدوّاً لجبریل**﴾ (بقره (۲) / ۹۷) سؤال شد. امام در بیان ظاهری آن همراه با بیان نکته‌ای فرمودند: «**کلّ اسم راجع لی إیل فهو عبد الله عزّ و جلّ**؛ *هر اسمی که به ایل ختم شود به معنی بنده خداست.*» لذا «**جبرئیل**» *عبدالله*؛ **اسرافیل** «*عبدالرحمن*»؛ **میکائیل** «*عبیدالله*» می‌باشد .(سیوطی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ طبری، ج ۱، ص ۴۳۷)

از امام سجاد و امام باقر علیهماالسلام ذیل آیهٔ ﴿**انّ الصلاة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً**﴾ (بقره (۲) / ۱۳۴) روایت شده که ایشان فرمود: «موقوت» یعنی «مفروض»(ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۸۲)پ این دو امام همام، «**غیب و شهاده**» را چنین بیان فرموده‌اند: «**الغیب ما لم**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

یکن و الشهادة ما کان.» (آلوسی، ج ۲۸،ص ۶۲)

امام صادق علیه‌السلام در طلیعهٔ سوره نجم، در معنی **«هوی»** می‌فرمایند: **«الهوی: النزول»** (قرطبی، ج ۱۷، ص ۸۳؛ مُظهری، ج ۹، ص ۷۶) و آیه را در نزول قطب عالم هستی در شب معراج، تبیین می‌نمایند. ایشان در حدیث دیگری ذیل آیهٔ ﴿**إنّ في ذلك لآيات للمتوسّمين**﴾ (حجر(۱۵) / ۷۳)،(متوسّمین) را به «تیزهوشان و نازک بینان» تفسیر نموده اند.(آلوسی، ج ۱۴، ص ۷۴؛ سیوطی، ج ۵، ص ۹۰؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۱۹۲)

در این شیوه، امام بر اساس قواعد معمول معناشناسی، به ترجمه واژه بر اساس کاربرد اصل لغت می‌پردازد.

۱ـ۲ تبیین بر اساس کاربرد متکلّم

گاه در معناشناسی یک واژه، از موارد استعمال متکلّم استفاده می‌شود. این شیوه در معناشناسی واژه‌ای، توضیح واژه‌ای است بر اساس کاربرد همان واژه در جایی دیگر که به وسیله آن لفظ و محتوا کشف می‌شود.

رسول الله در تفسیر ﴿**الذين آمنوا و لم يلبسوا ايمانهم بظلم**﴾ (انعام (۶) / ۸۲) ظلم را به شرک تفسیر و در این خصوص به آیهٔ ﴿**إنّ الشرك لظلم عظيم**﴾ (لقمان (۳۱) / ۱۳) استشهاد فرمود(ابن کثیر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۸)

شخصی از امام حسن علیه‌السلام درباره معنی «شاهد و مشهود» پرسید، امام گفتند: آیا قبلاً از شخص دیگری پرسیده‌ای؟ گفت: بله، ابن عمر و ابن زبیر، آنها گفتند: روز عید قربان و روز جمعه مُراد است. امام گفتند: نه، صحیح نیست؛ بلکه «الشاهد» محمّد[صلی‌الله‌علیه‌وآله] است. سپس این آیه را خواند ﴿**و جئنا بك على هؤلاء شهيداً**﴾ (نساء (۴) / ۴۱)، و «المشهود» روز قیامت است. سپس خواند:﴿**ذلك يوم مجموع له الناس و ذلك يوم مشهود**﴾ (هود (۱۱) / ۱۰۳)، (شوکانی، ج ۵، ص ۵۰؛ آلوسی، ج ۳، ص ۸۶؛ طبری، ج ۳۰، ص ۱۳۰؛ ابن‌عطیه، ج ۵، ص ۴۰۰؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۵۴) در تفسیر «الدرّالمنثور» روایت به همین شکل نقل شده، امّا امام حسن علیه‌السلام به آیهٔ ﴿**إنّا ارسلناك شاهداً و مبشراً**﴾ (احزاب (۳۳) /

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

۴۵) استدلال نموده‌اند. (سیوطی، ج ۸، ص ۶۴۶) نیز در کتاب بحار الانوار هم این روایت نقل شده است.(مجلسی، ج ۸۶، ص ۲۶۳)

این روایت از امام حسین علیه‌السلام نیز نقل شده که ایشان با توجّه به آیهٔ ﴿**إنّا أرسلناك شاهداً ...**﴾ فرمود: «شاهد» جدّم رسول خدا و «مشهود» روز قیامت است. (شوکانی، ج ۵، ص ۵۰۴؛ طبری، ج ۱۲، ص ۱۵؛ قرطبی، ج ۱۹،ص ۲۸۴)

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که از امام علی علیه‌السلام دربارهٔ «**هَدی**» سؤال شد و ایشان با توجّه به آیهٔ ﴿**یا أیّها الذین آمنوا أوفوا بالعقود أحلّت لکم بهیمة الأنعام**﴾ (مائده (۵) / ۱) آن را از «**بهیمة الأنعام**» دانسته و «**بهیمة الأنعام**» را با توجّه به آیهٔ ﴿**.من الضأن اثنین و من المعز اثنین ... هدیاً بالغ الکعبة**﴾ (انعام (۶) / ۱۴۳)، به انعام هشت‌گانه تبیین نمودند. (سیوطی، ج ۳،ص ۱۹۳)

۲ـ بیان مصداقی

بیان مصداقی یا «جری و تطبیق» گونه‌ای از تفسیر است که در آن، معصوم «واژه» یا آیه‌ای را با بیان مصداق آن، تبیین می‌کنند و حوزهٔ دیگری در وادی معناشناسی می‌گشایند. «**جری**» به معنای *جریان داشتن*، تعبیری است که خود ائمّه برای استمرار پیام قرآن در همه زمانها به کار برده‌اند. (میرباقری، ص۲۳۶؛ شاکر، ص ۱۴۹)

بیان مصداق در کلام معصومین، خود گونه‌های مختلفی دارد که به برخی اشاره می‌شود.

۱ـ۲) بیان مصداق خاص

نظر مشهور بر شمولیت آیه است: «**العبرة بعموم اللّفظ لَا بخصوص السّبب**» (زرکشی، ج ۱، ص ۳۲؛ زرقانی، ج ۱، ص ۱۱۸ـ۱۲۲) امّا باید گفت در مورد برخی از آیات، هم سبب نزول آیه و هم مصادیق آن خاص است. لذا معرّفی مصادیق برخی از آیات، امر مهمی است که مورد توجّه اهل بیت علیهم‌السلام بوده است، به عنوان نمونه، از امام باقر و صادق علیهما‌السلام درمعرّفی مصادیق «**أولو الأمر**» ذیل آیهٔ ۵۹ نساء روایت شده که امام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

فرمود: «در شأن علی و دو فرزندش حسن و حسین علیهم‌السلام نازل گردید.» راوی می پرسد: چرا خداوند به نام علی و خاندانش تصریح نکرده است؟ امام می‌فرماید: خداوند نماز را واجب کرد امّاتعداد رکعات آن را تشریع نکرد. حجّ را واجب نمود، امّا کیفیت آن را به رسول خدا واگذاشت. و آیهٔ **«أطیعوا الله»** را درباره علی، حسن و حسین نازل کرد، و رسولش فرمود: من شما را به کتاب خدا و اهل بیتم توصیه می‌کنم، آنها از هم جدا نمی‌شوند تا در قیامت بر من وارد شوند. (حسکانی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ قندوزی، ج ۱، ص ۳۴۲)

۲ـ۲) بیان مصداق عام

این مصداق در آیاتی یافت می‌شود که لفظ و معنای آن صلاحیّت پذیرش مصادیق متعدّد را دارند.

امام علی علیه‌السلام در معنا شناسی **«هباء»** مصادیق متعدّدی بیان می‌کند، چون: **«شعاع الشمس التي يخرج من الكوّة»**؛ **«ريح الغبار يسطح ثمّ يذهب فلا يبقى منه شيء و ...»** بیان نموده است. (نک: سیوطی، ج ۶، ص ۲۴۶، ج ۸، ص ۵، ج ۵، ص ۱۱؛ آلوسی، ج ۱۹، ص ۷؛ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۴۴)

ذیل آیهٔ ﴿**ليشهدوا منافع لهم**﴾ (حجّ (۲۲) / ۲۸) روایت شده: **«قال محمّدبن علی‌بن الحسين الباقر:: «المراد بها العفو و المغفرة»**. در تفسیر طبری دو حدیث از امام باقر علیه‌السلام از طریق جابر جعفی، نقل می‌کند که در اولی، امام می‌گوید: مراد «عفو» است **(جابر عن أبي‌جعفر: ليشهدوا منافع لهم. قال العفو)** و در حدیث دوم، امام می‌گوید: «مغفرت» است **(جابر قال: قال محمّدبن عليّ: المغفرة)** که ظاهراً امام در مقام بیان برخی از مصادیق «منافع» هستند. مُظهری این دو روایت را تحت عنوان یک روایت آورده است. طبری پس از نقل نظرات مختلف، منافع را عام می‌گیرد، اعم از منافع دنیوی و اخروی. (طبری، ص ۴۷؛ مظهری، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۹، ص ۷۶)

امام باقر علیه‌السلام یکی از مصادیق **«وانحر»** در سورهٔ کوثر را بالا بردن دست هنگام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

گفتن **تکبیرة الاحرام** دانسته‌اند. (آلوسی، ج ۳۰، ص ۲۴۷؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۸۸؛ سیوطی، ج ۸، ص ۶۵۰؛ طبری، ج ۳۰، ص ۳۲۶)

۳ـ۲ مصداق اتم:

از این نوع مصداق، گاه به مصداق «اکمل» و «اعلی» هم یاد می‌شود. معنای آن این است که آیه پذیرای مصادیق متعددی است که از لحاظ رتبه یکسان نیستند؛ امّا یک یا چند تن در مرتبهٔ بالاتر از دیگران جای دارند که به عنوان مصداق اتمّ و اکمل معرّفی می‌شوند.

ذیل آیهٔ ﴿**فاسألوا أهل الذکر**﴾ از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که چون آیه نازل شد، علی علیه‌السلام گفت: ما اهل ذکر هستیم. در روایت دیگری از ایشان نقل شده که مراد عترت رسول خدا هستند. در روایت دیگری امام باقر می‌فرماید: «*اهل الذکر ما* هستیم». به عنوان نمونه:

عن محمّدبن علیّ قال: لمّا نزلت هذه الآیه»: «فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» قال علیّ علیه‌السلام: **نحن أهل الذّکر الّذي عنانا الله جلّ و علا في کتابه».** (حسکانی، ج ۱، ص ۳۳۶ـ۳۳۷، ۴ حدیث)

ابن‌کثیر ذیل آیهٔ مذکور، سخن قابل تأمّلی دارد. «**قول أبي جعفر الباقر: نحن أهل الذکر: و علماء اهل البیت رسول الله** صلی‌الله‌علیه‌وآله **و الرحمة من خیر العلماء إذا کانوا علی السنّة المستقیمة کعلّی و ابن عبّاس و ابنی علیّ، الحسن و الحسین و محمّدبن الحنفیّة و علیّبن الحسین زین‌العابدین و علیّ بن عبدالله‌بن عبّاس و أبی‌جعفر الباقر و هو محمّدبن علی‌بن الحسین و جعفر ابنه و أمثالهم و أضرابهم و أشکالهم ممّن هو متمسّک بحبل الله المتین و صراط المستقیم و عرف کلّ ذي حقّ حقّه و نزل کلّ المنزل الذي أعطاه الله رسوله و اجتمعت علیه قلوب عباده المؤمنین».** (ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲ ،ذیل نحل ص ۴۳)

در توضیح سخن امام باقر علیه‌السلام *که اهل الذکر ما هستیم، می‌گوید: علمای اهل بیت رسول الله* صلی‌الله‌علیه‌وآله *و الرحمة از بهترین علماء هستند، هرگاه بر سنّت مستقیم رسول خدا*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

باشند؛ مثل علی، ابن عبّاس، فرزندان علی، حسن و حسین، محمّدبن حنفیّه، علی‌بن حسین زین العابدین، علی‌بن عبدالله‌بن عبّاس، ابی‌جعفر الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال، شبیه و نظیر آنها از کسانی که به ریسمان محکم الهی و راه مستقیم او چنگ زده، حقّ هر صاحب حقّی را می شناسند و بر جایگاهی که خدا و رسولش و قلبهای مؤمنین به سوی آن است، فرود می‌آیند.

از این نوع نمونه‌های دیگری نیز در کلام امام باقر علیه السلام نیز مشاهده می شود. (نک: قندوزی ج ۱، ص ۲۹۷ باب ۲۶؛ سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶ ذیل توبه ص ۱۱۹، قرطبی، ج ۱۹، ص ۸۷؛ حسکانی ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۲۳۷)

۳. بیان توصیفی و توضیحی

در این شیوه، امام علیه السلام واژه را توصیف یا توضیح می دهند. این روش را می توان در جای جای قرآن نیز مشاهده کرد، آنجاکه خداوند به ذکر اوصاف متقین، مؤمنین و... می پردازد.

از امام علی علیه السلام دربارهٔ «**ناشطات، سابحات، سابقات و مدبّرات**» سؤال شد. ایشان به توضیح و توصیف پرداخت و فرمود: «**ناشطات: الملائکة تنشط أرواح الکفار ما بین الأظفار و الجلد، سابحات: الملائکة تسبح بأرواح المؤمنین بین السماء و الأرض، سابقات: یسبق بعضها بعضاً بأرواح المؤمنین إلی الله؛ المدبرات: الملائکه تدبّروا امرالعباد من السنة الی السنة**» (سیوطی، ج ۸، ص ۴۰۳؛ شوکانی، ج ۵، ص ۴۵۵؛ قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۹۰ـ ۱۹۳)

امام علی علیه السلام «**حقب**» در آیهٔ ﴿**لابثین فیها احقابا**﴾ (نباء (۷۸) / ۲۳) را چنین توضیح و توصیف می نمایند: «**نجده ثمانین سنة، کلّ سنة اثنا عشر شهراً، و کلّ شهر ثلاثون یوماً، و کل یوم ألف سنة**»(طبری، ج ۳۰، ص ۱۰): *آن را هشتاد سال یافتیم، هر سال آن دوازده ماه، و هر ماه سی روز، و هر روز آن هزار سال (دنیا) است.*

نیز از ایشان روایت شده که: *ذاریات: بادها؛ حاملات: ابرهایی هستند که آب را حمل می‌کنند، جاریات: کشتیها و مقسّمات، ملائکه هستند.* (شوکانی، ج ۵، ص ۱۰۳؛ طبری،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

ج ۲۶، ص ۱۸۷؛ سیوطی، ج ۷، ص ۶۱۴؛ بخاری، ج ۳، ص ۴۸ جزء ۶؛ قرطبی، ج ۱۷، ص ۲۹؛ ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۱۲؛ ابن عطیه، ج ۵، ص ۱۷۲)

امام باقر علیه‌السلام ذیل آیهٔ ﴿**مزاجه من تسنیم**﴾ (مطففین (۸۳) / ۲۷۱) در معنی واژهٔ «**تسنیم**» از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌فرمایند: «**هو أشرف شراب الجنّة یشربه آل محمّد، و هم المقرّبون السابقون، رسول الله و علیّ‌بن أبی‌طالب و خدیجة و ذرّیّتهم الذین اتّبعوهم بالایمان.**» (حسکانی، ج ۲، ص ۲۲۶)

«تسنیم» برترین نوشیدنی بهشت است که آل محمّد از آن می‌نوشند و آنها مقرّبان و سبقت‌گرفتگان؛ رسول خدا، علی‌بن ابی‌طالب، خدیجه و نسل مؤمن آنها هستند. این امام همام در حدیث دیگری «**غارم**» و «**ابن سبیل**» در آیه ۶۰ سورهٔ توبه را چنین توضیح می‌دهد: «**الغارمین: المستدنین بغیر فساد**» و «**إبن السبیل المتجاوز من الأرض إلی الأرض.**» (ثوری، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نحاس، ج ۳، ص ۳۲۶۹)

۴. بیان توسیعی

گاه کلام اهل بیت علیهم‌السلام در بیان معنی واژه، فراتر از توصیف و توضیح معمولی است. در این شیوهٔ معناشناسی، خاندان عصمت و طهارت معانی ویژه‌ای به برخی کلمات بخشیده و حوزهٔ معنایی آن را به مرزهایی فراتر از ظاهر تعمیم داده‌اند. امام باقر علیه‌السلام «**طاغوت**» در آیهٔ ﴿**فمن یکفر بالطاغوت**﴾ را به حجابها و باز دارنده‌ها از مطالبهٔ حق تبیین نموده (عطّار نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۶) که به معنای «*طاغوت*» توسعه بخشیده‌اند. امام صادق علیه‌السلام «**شجرة خبیثة**» (ابراهیم (۱۴) / ۲۶) را به «*شهوات*» توسعه بخشیده‌اند:

قال جعفر الصادق رضی الله عنه: الشجره الخبیثه الشهوات و أرضها النفوس و ماؤها الأمل و أوراقها الکسل و ثمارها المعاصی و غایتها النار، و یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة، قال الصادق رضی الله عنه: تثبیتهم فی الحیاة الدنیا علی الایمان و فی الآخرة علی صدق جواب الرحمن. (آلوسی، ج ۲۳۹، ص ۱۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

*جعفر الصادق*علیه‌السلام *فرمود: درخت خبیث، شهوات اند و زمینش نفسها و آبش آرزوها و برگهایش تنبلی و میوه‌اش معصیت و آخر و نهایتش آتش است. و خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، با سخن ثابت در دنیا و آخرت استوار می‌کند. و نیز صادق*علیه‌السلام *می‌فرماید: استواری و تثبیت آنها در دنیا با ایمان، و در آخرت با صدق پاسخ خداوند است.*

۵. بیان تمثیلی و تصویری

تمثیل از نظر علماء، انتزاع محسوس یا نامحسوس از یک مفهوم است که نوعی تشبیه به شمار می‌رود.(هاشمی، ص ۲۳۶) که هدف ازتمثیل بیان مطالب مشکل در قالب روشن‌ترین عبارات خارج ساختن آن از ابهام در رساندن به مرحلهٔ روشنایی و وضوح، می‌باشد(ابن ناقیا، ص ۲۰۵) این شیوه در کلام معصومین نیز جایگاه خاصی دارد، به طوری که امام‌گاه برای بیان معنی واژه، از این روش بهره می‌بردند.

از امام علی‌علیه‌السلام ذیل آیهٔ ﴿**ان یأتیکم التابوت فیه سکینة**﴾ (بقره (۲) /۲۴۸) روایت شده که فرمودند: «**السکینة ریح هفافة لها وجه کوجه الانسان**» و در حدیث دیگری «**ریح هفّافة لها صورة**» (طبری، ج ۵۵۸، ص ۲) به نظر می‌رسد عبارت «**کوجه الانسان**» در روایت اوّل ، از اضافات راوی باشد. به هر حال تبیین حضرت، از قسم تمثیل است. طبری هم پس از بیان معنی لغوی «**سکینه**» می‌گوید: «*اگر معنی سکینه این باشد که گفتم، پس آنچه علی*علیه‌السلام *گفته، جایز است.*» (همان)

باقرین‌علیهماالسلام نیز در معناشناسی واژگان قرآن، گاه از این روش بهره برده‌اند. به عنوان نمونه از امام باقرعلیه‌السلام ذیل آیه ﴿**والله یدعوا الی دارالسّلام**﴾ (یونس (۱۰) /۲۵) در معنی «**دارالسّلام**» از زبان مبارک رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل شده: رسول الله فرمود: *من در خواب جبرئیل را دیدم که بالای سرم ایستاده و میکائیل در زیر پاهایم و یکی به دیگری می‌گوید: مثالی بگو (سخنی بگو). او می‌گوید: پس با گوش جانت بشنو و با عقلت درک کن، مَثَل تو و پیروانت مثل پادشاهی (مالکی) است که سرایی انتخاب و در آن منزلی برپا می‌کند و سپس در آن غذایی مهیا می‌سازد، رسولی می‌فرستد تا مردم را به سوی آن فرا*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

خواند، پس عده‌ای اجابت می‌کنند و عده‌ای ترک می‌کنند.

خدای، آن پادشاه است و آن سرای، اسلام است و خانه، بهشت است و تو ای محمّد، دعوت کننده به آنی. پس هر کس تو را اجابت کند، داخل اسلام شده و هر کس داخل اسلام شود، داخل بهشت شده و هر کس داخل بهشت شود، از آن می‌خورد. (شوکانی، ج ۳، ص ۵۱؛ سیوطی، ج ۵، ص ۳۵۵)

مقصود از بیان تصویری، ارائهٔ صورت تجسّمی و نموداری از مفهوم یک واژه است. این فن را امروزه «هنر تصویرگری» می‌نامند که شیوه‌ای بس زیبا برای تبیین واژگان و آیات است. لذا اهل بیت علیهم‌السلام از این روش هم بهره‌های فراوان برده‌اند که مثال اوّل از این قسم است.

۶. بیان غایی

از مطالعهٔ معناشناسی واژگان قرآن توسّط عترت، مشخص می‌شود که ائمّهٔ اطهار علیهم‌السلام گاهی در تبیین واژگان به معنی غایی آنها نظر دارند و هدف آنها توجّه دادن مسلمین به نتیجه و سرانجام عمل به آموزهای دینی است.

از امام علی علیه‌السلام ذیل آیهٔ ﴿**إنّ الدین عندالله الاسلام**﴾ (آل عمران (۳) / ۱۹) روایت شده که ایشان فرمود: «**الإسلام هو التسلیم و التسلیم هو الیقین و الیقین هو التصدیق و التصدیق هو الإقرار و الإقرار هو الأداء و الأداء هو العمل**» (مراغی، ج ۳، ص ۱۲۰؛ آلوسی، ۳، ص ۱۰۶) *اسلام، تسلیم است و تسلیم، یقین و یقین، تصدیق و تصدیق، اقرار و اقرار، اداء و اداء، عمل نمودن است.*

از امام صادق علیه‌السلام در معناشناسی «شکر» وارد شده که ایشان فرموده‌اند: «**الشکر زیادة في النعم و أمان من البلاء**»(سیوطی، ج ۳، ص ۱۱۳) «*شکر، زیادی نعمت و امان از بلاست.*» بی تردید سرانجام و نتیجهٔ شکر خدای، فزونی نعمت و در امان بودن از بلایای سماوی و ارضی است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

۷. بیان تأویلی (باطنی)

این نوع را می‌توان مرتبه‌ای فراتر از بیان ظاهری دانست که در آن اهل بیت علیهم‌السلام به بیان باطنی واژگان قرآن می‌پردازند. به دیگر سخن، بیان تأویلی که ما آن را از مقولهٔ باطن می‌دانیم، حقایقی فراتر از تفسیر است که ابتدا مناسبتی بین آن و معنای ظاهری نمی‌توان یافت، امّا پس از بیان معصوم علیه‌السلام این تناسب روشن می‌شود.

این رابطه قاعده و روش مشخصی ندارد تا همگان به تأویل قرآن دست زنند؛ بدین روی زمینه‌های تأویل ناروا برای کور دلان فراهم می‌شود.(معارف،مباحثی در تاریخ وعلوم قرآنی، ص ۲۴۷؛ معرفت، ص ۲۷۴؛ طباطبایی، ص ۳۳) لذا یکی از شئون مهم اهل بیت علیهم‌السلام تأویل صحیح قرآن و بیان باطن حقیقی آن است. خداوند، اطّلاع از این علم را در انحصار راسخان در علم قرار داده است (آل عمران (۳) / ۷) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین مصادیق بارز راسخان در علم هستند. با این سخن، نمونه‌هایی از بیان باطنی عترت علیهم‌السلام را که در دو حوزهٔ «مفهوم باطنی» و «مصداق باطنی» تبلور یافته، بیان می‌کنیم.

عن أبی‌جعفر قال: سئل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله عن (قوله تعالی) «طوبی لهم و حسن مآب». قال: (هي) شجرة في الجنّة، أصلها فی داری و فرعها علیّ أهل الجنّة. ثم سئل عنها مرّة أخری قال: (طوبی) شجرة في الجنة، أصلها في دار علي و فرعها علی أهل الجنّة. فقيل له: سألنا عنها يا رسول الله، فقلت: أصلها في داري، ثم سألناک مرة اخری فقلت: شجرة في الجنّة أصلها فی دار علیّ و فرعها علی أهل الجنّة. فقال: «إنّ داري و دار عليّ واحدة.» (حسكاني، ج ۳۰۵؛ حنفی، ج ۱،ص ۲۸۸؛ ثعلبی، ج ۵،ص ۲۹۱؛ قرطبی ج ۹،ص ۳۱۷، سیوطی، ج ۴،ص ۵۹)

*از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره این سخن خدای تعالی «**طوبی لهم**» سؤال شد. ایشان فرمودند: درختی است در بهشت که*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

ریشهٔ آن در خانه من است و شاخه‌های آن در میان اهل بهشت است. یک بار دیگر پرسیدند، فرمودند: ریشهٔ آن در خانه علی علیه‌السلام است و شاخسار آن در خانهٔ اهل بهشت. سائل در مورد این دو جواب پرسید. پیامبر فرمودند: خانهٔ من و علی در بهشت یکی است.

ذیل آیهٔ ﴿**فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات**﴾ (فاطر (۳۵) / ۳۲) روایت شده که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**الظالم لنفسه**» کسی است که حق امام را نشناسد، و «**المقتصد**» عارف به حق امام است و «**السابق**» امام می‌باشد.(آلوسی، ج ۲۲، ص ۱۹۶) امام در این حدیث یکی از تأویلات زیبای آیه را بیان می‌کنند.

ایشان در حدیثی دیگر در طلیعهٔ سورهٔ «**طه**» این کلمه را به «*طهارت اهل بیت محمّد*»(ثعلبی ذیل طه (۲۰) / ۱) تأویل نموده و «**یس**» را به «**إنّه أراد یا سیّد مخاطبة لنبیه (ص)**» تأویل نموده‌اند.(قرطبی، ج ۵، ص ۱۵) بدون شک علم به حروف مقطعه، از اسرار نهانی الهی است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام برخی از بطون آن را بیان نموده‌اند.

این امام همام در مقام دفاع از عصمت انبیای الهی، حقیقت «**برهان رب**» در آیهٔ ﴿**لولا أن رأی برهان ربّه**﴾ (یوسف (۱۲) / ۲۴) را چنین بیان نموده‌اند: «**البرهان النبوّة التي اودعها الله في صدره، حالت بینه و بین ما یسخط الله عزوجل** *برهان همان ودایع نبوت است.*» «مُظهری» این تأویل امام را بهترین قول می‌داند. (بغوی، ج ۲، ص ۳۵۴؛ اسفراینی، ج ۳، ص ۱۰۶۳؛ مُظهری، ج ۵، ص ۲۴)

امام صادق علیه‌السلام در حدیثی «**حبل الله**» در آیه ﴿**واعتصموا بحبل الله جمیعاً**﴾ (آل عمران (۳) /۱۰۳) را این گونه تبیین فرموده‌اند: «**نحن حبل الله الذي قال الله: واعتصموا ...**» (ابن‌حجر، ص ۹۰؛ شبلنجی، ص ۱۰۱؛ ثعلبی، ذیل آل عمران (۳) / ۱۰۳؛ سمهودی، ج ۳، ص ۱۷۸؛ قندوزی، ج ۲، ص ۳۶۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

نتیجه

با بررسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام ـ که در منابع اهل سنّت آمده ـ مشخص می‌شود که عترت با بیانهای متنوّعی از معناشناسی واژگان ـ بر حسب نوع مخاطب، فضای موجود، سطح درک مردم ـ به تبیین مقاصد الهی پرداخته‌اند.

ائمّه علیهم‌السلام گاه با بیان ظاهری در حوزهٔ استعمال عرب یا کاربرد خود متکلّم (خداوند) معنای واژه را تبیین نموده‌اند و زمانی با جری و تطبیق در وادی مصداق‌شناسی معنای کلمه را مشخص می‌کنند. توضیح و توصیف واژگان در هنگام لزوم، توسعه معنایی، بهره‌گیری از تمثیل، تصویرگری واژه، بیان غایی و باطنی از دیگر شیوه‌های بیانی عترت در روایت تفسیری اهل سنّت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

منابع

۱. آلوسی، ابی‌الفضل شهاب الدین. **روح المعانی**. بیروت: داراحیاءالتراث‌العربی.

۲. ابن حجر الهیتمی، احمد. **الصواعق المحرقه**. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۳. ابن عطیه. **تفسیر المحرر الوجیز**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.

۴. ابن کثیر، عماد الدین ابوالفداء. **تفسیر قرآن العظیم**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۵. ابن ناقیا، عبدالله‌بن محمّد. **الجمان فی تشبیهات القرآن**. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.

۶. ابو نعیم اصفهانی. **حلیه الاولیاء**. بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

۷. اسفراینی. **تفسیر تاج التراجم**. تهران: انتشارات علمی ج فرهنگی، ۱۴۱۷ ق.

۸. بابایی، علی اکبر. **روش‌های تفسیر قرآن**. تهران: انتشارات سمت، ۱۴۲۳ ق.

۹. بخاری، ابی‌عبدالله محمّدبن اسماعیل. **صحیح بخاری**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۰. بغوی، ابو محمّد الحسین‌بن مسعود الفراء. **معالم‌التنزیل**. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.

۱۱. ثعلبی، ابی‌اسحاق احمد ابراهیم نیشابوری. **تفسیر الکشف والبیان (تفسیر ثعلبی)**. دار الاحیاء للتراث، ۱۴۲۲ق.

۱۲. ثوری، ابی‌عبدالله سعید. **تفسیر (الثوری)**. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.

۱۳. حسکانی، عبید الله‌بن احمد الحنفی. **شواهدالتنزیل لقواعدالتفصیل**. تحقیق محمّد باقرالمحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق.

۱۴. راغب اصفهانی. **المفردات**. مصر: مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۸۱ ق.

۱۵. زرقانی، عبدالعظیم. **مناهل العرفان فی علوم القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۶. زرکش، محمّدبن عبدالله. **البرهان فی علوم القرآن**. بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۱ق.

۱۷. السمهودی، نورالدین علی. **جواهر العقدین**. بیروت: دارالفکر.

۱۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. **الدر المنثور فی التفسیر المأثور**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۱۹. شاکر، محمّد کاظم. **روش‌های تأویل قرآن**. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۴۱۸ ق.

۲۰. الشبلنجی، موسی‌بن حسن‌بن مومن. **نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار**. بیروت: دار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

الکتب العلمیه.

۲۱. شوکانی، محمّدبن علی. **فتح القدیر الجامع بین الروایه و الدرایه فی علم التفسیر**. بیروت: دار المعرفه.

۲۲. شهرستانی، عبدالکریم. **مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار**. شرکه النشر و احیاء الکتاب، ۱۴۱۸ ق.

۲۳. طباطبایی، محمّد حسین. **قرآن در اسلام**. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ق.

۲۴. طباطبایی، سیّد محمّد حسین (علامه). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسه اعلمی،۱۳۹۲ق.

۲۵. طبری، ابو جعفر محمّدبن جریر. **جامع البیان فی تأویل آی القرآن**. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق،

۲۶. عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین. **تذکره الاولیاء**. بر اساس نسخه نیکلسن، تهران: نشر علم.

۲۷. علوی مهر، حسین. **روش‌های و گرایش‌های تفسیری**. قم: انتشارات اسوه، ۱۴۲۳ ق.

۲۸. قرطبی. **الجامع لاحکام القرآن**. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ق.

۲۹. قندوزی، حنفی، ابراهیم. **ینابیع الموده لذوی القربی**. تحقیق سیّد علی جمال اشرف الحسینی، قم:دار الاسوه، ۱۴۲۲ق.

۳۰. مجلسی، محمّد باقر. **بحار الانوار**. بیروت: دارالوفا، ۱۴۰۳ق.

۳۱. مراغی، احمد المصطفی. **تفسیر القرآن (تفسیر مراغی)**. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.

۳۲. مُظهری، قاضی محمّد ثناء الله. **تفسیر، تحقیق احمد غرو عنایه**. بیروت: دار الاحیاء للتراث، ۱۴۲۵ق.

۳۳. معارف، مجید. **مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی**. تهران: انتشارات نباء، ۱۴۲۵ ق.

۳۴. معارف، مجید؛ اوجاقلو، ابوالقاسم. **گونه شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان**. مجله مقالات و بررسیها، دانشگاه تهران، دفتر ۷۹.

۳۵. معارف، مجید. **شناخت حدیث**. تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۴۲۷ ق.

۳۶. معرفت، محمّد هادی. **علوم قرآنی**. قم: انتشارات التمهید، ۱۴۲۳ ق.

۳۷. مودب، سیّد رضا. **روش‌های تفسیر قرآن**. قم: انتشارات اشراق، ۱۴۲۲ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]

۳۸. میرباقری، سیّد محسن. **ظاهر قرآن و باطن قرآن**. تهران: انتشارات رایزن، ۱۴۲۲ ق.
۳۹. نحّاس. **معانی القرآن**. (نرم افزار المکتبه الشامله)
۴۰. هاشمی، سیّد احمد. **جواهر البلاغه**. قم: انتشارات مصطفوی، ۱۴۱۹ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.9.33.6.7]